

دفاع مقدس، پساحقیقت و فردای پیش رو

در چهل و چهارمین سال دفاع مقدس، مرور علل مقاومت مردم و ناکامی متجاوزی را که قدرت‌های بزرگ جهانی به نحوی از او حمایت می‌کردند، جهت گرفتن درس‌هایی برای امروز و فرداهایمان باید مرور کنیم.



در چهل و چهارمین سال دفاع مقدس، مرور علل مقاومت مردم و ناکامی متجاوزی را که قدرت‌های بزرگ جهانی به نحوی از او حمایت می‌کردند، جهت گرفتن درس‌هایی برای امروز و فرداهایمان باید مرور کنیم.

به گزارش ایسنا، در یادداشتی در روزنامه **اعتماد** به قلم علی ربیعی آمده است: «دفاع مقدس از جمله موضوعاتی است که پرداختن به ابعاد گوناگون آن نه تنها یک ضرورت تاریخی، بلکه یک ضرورت سیاسی و حتی اجتماعی است. از این رو که چگونه یک جامعه در آستانه هزاره سوم، با دست‌ان خالی به دفاع از هویت و هستی ملی خود پرداخته است. حضور جامعه‌ای که نه طبقه می‌شناخت و نه قومیت، نه جنسیت و نه دین و مذهب، با روایت‌های بسیار زیادی از افزایش سن برای حضور در جنگی نابرابر. پدرانی که کنار فرزندان خود و مادرانی که نه فقط در پشت جبهه در شهرها بلکه در کناره خط مقدم نبرد حضور یافتند. دخترانی که داوطلبانه حاضر به ازدواج با جانبازان جنگ می‌شدند. شناخت این پدیده اجتماعی و فرهنگی که همین سه نسل پیش مدافعان آن هنوز در جامعه حضور دارند، ارزشمند و ضروری است. اینکه چگونه این انرژی عظیم و روحیه بزرگ این روزها فقط در قالب مناسک‌ها دیده می‌شود، فهم آن پدیده را ضروری تر و ارزشمندتر می‌کند.

در این مقاله از منظر تاریخی بحث واکاوی به یک پرسش را که این روزها عده‌ای تلاش می‌کنند آن را در معرض روایت‌های پساحقیقت قرار داده و تحلیل تاریخی انحرافی را ارائه کنند به دلایل و آغازگری جنگ خواهیم پرداخت. به تعبیر رهبر انقلاب «انقلاب اسلامی ملت ایران، مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه ننگ بسیاری از انقلاب‌ها و جنبش‌هاست، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربه متقابل را محکم فرود آورده است.»

باید اعتراف کرد که در انتقال حافظه تاریخی به نسل‌های جدید توفیق چندانی نداشتیم. آنچه بر گذشته سایه می‌افکند، خود گذشته در طرف زمانی درخشان خود نیست، رفتارهای امروز است. نسل اکنون به گذشته از همین منظر اکنونی نگاه می‌کند. از منظر عینکی که عملکرد امروز ما به دستش داده است که این عملکرد زمینه‌ساز پذیرش روایت‌های جعلی و نادرست و ایجاد یک پساحقیقت می‌شود.

دفاع مقدس قبل از هر چیزی یک اقدام دفاعی در گستره ملی بود. یک جنگ پیشگیرانه نبود. این صدام بود که سعی می‌کرد تهاجم خود را به شکل یک اقدام پیشگیرانه جعلی توجیه کند. شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر شاه، در یک تحلیل تقلیل‌گرایانه و ضعیف در کتاب خود به نام «بیرنگی» در توجیه تجاوز صدام، آن را «پیشگیرانه» نامیده است. از جمله اینکه می‌نویسد صدام به عنوان یک رییس‌جمهور لایبیک نمی‌توانست تحمل کند که یک رژیم مذهبی میان مذهب و سیاست «ساخت و پاخت» ایجاد کند. هیچ مستند تاریخی مبنی بر حرکت نظامی از سوی ایران به ثبت نرسیده است. لذا به ناچار برای تجاوز صدام، توجیهی پیشگیرانه خلق کردند. در صورتی که ایران در کشاکش پیروزی انقلاب و تثبیت نظامی جدید، هرگز نه می‌خواست و نه می‌توانست اقدامی آفندی را شکل دهد. رسانه‌های غربی هم در همان ایام همین دوگانه را میان یک «پرزیدنت لایبیک» و یک «نظام بنیادگرا» القا می‌کردند اما در دلایل حمله صدام به ایران می‌توان چنین تحلیل کرد:

نخست) صدام درباره توانایی‌های انقلاب و نظام سیاسی مستقر دچار انحراف تحلیلی شد. جریان سلطنت طلب به رهبری فرح پهلوی، شاپور بختیار، تیمسار آریانا و برخی افسرانی که با خانم فرح دیبا همراهی می‌کردند، نخستین گروهی بودند که حتی پیش از جنگ به عراق رفتند و آنچنان که در اسناد تاکنون منتشر شده انگلستان در خصوص همدستی بختیار و صدام آمده، می‌توان به این نتیجه رسید که سلطنت‌طلبان و به اصطلاح ملی‌گرایان شاهانه در تحریک صدام به تجاوز نقش داشتند و چنانکه مجید تفرشی، مورخ نواندیش ایرانی، در بازخوانی از اسناد مذکور گفته، آن تحریک و آن تشجیع در تهاجم صدام به ایران موثر بوده است. بنابراین توجیه تهاجم صدام به ایران به عنوان یک عمل پیشگیرانه اعترافی است بر اینکه آن تهاجم علاوه بر بعد نظامی، یک تهاجم علیه شیوه زندگی ایران انقلابی نیز بوده است. به بیان روشن‌تر، تجاوز علیه تمامیت ارضی، به موازات تهاجم علیه تمامیت ذهنی و سبک زندگی مردمان کشور صورت گرفته است.

دوم) تحلیل مستند تاریخی نشان می‌دهد حزب بعث به دلایل مختلفی همواره قصد حمله به ایران و گرفتن بخشی از خاک ایران را در استراتژی‌های خود داشته است. در دوران رژیم شاه به علت قرارگرفتن ایران در زنجیره امنیتی آمریکا و عدم همراهی کشورهای عرب منطقه و ترس آنها از گسترش عراق، صدام با وجود اینکه شاه را عنصری ضعیف می‌پنداشت، ریسک حمله را نمی‌پذیرفت. با پیروزی انقلاب و تصور به هم ریختگی اوضاع در ایران و نبودن ارتشی منسجم فرصت را برای حمله مناسب دید و از طرفی اطمینان از حمایت آمریکا از خود و حمایت ضمنی اتحاد جماهیر شوروی به دلیل اینکه ساختار ارتش عراق، تحت نفوذ مستشاران روسی قرار داشت، دست به اقدام نظامی علیه ایران زد.

سوم) در یک دلیل دیگر حمله، بسیاری از ژئوپلیتیسین‌ها معتقدند عراق بنا بر منافع ذاتی خود یا باید از سمت ایران یا از سمت کویت گشودگی ژئوپلیتیکی یابد. در دلایل حمله عراق به ایران این موضوع را نیز بیان کرده‌اند. در جمع بندی نهایی دلیل اصلی

ناکامی صدام در دستیابی به اهداف تجاوزکارانه خود، وجود سرمایه اجتماعی بی نظیر، جامعه مدنی قوی، ارتشی با تحول ذهنی شگفت، اعتمادی وصف ناشدنی در ایران و اعتماد تاریخی به یک رهبر بود. صدام تحت تاثیر القائنات پیش گفته، تحلیلی درست از انقلاب و انرژی بزرگی که انقلاب ایجاد کرده بود، نداشت، در چهل و چهارمین سال دفاع مقدس، مرور علل مقاومت مردم و ناکامی متجاوز را که قدرت های بزرگ جهانی به نحوی از او حمایت می کردند، جهت گرفتن درس هایی برای امروز و فردا باید مرور کنیم. در جامعه ای با اعتماد بالا هیچ عنصر خارجی توانایی نفوذ و ضربه زدن نخواهد یافت، مردمی که حق را به دولتمردان خود بدهند در دفاع از حق درک شده هیچ فروگذار نخواهند کرد.

به نظر می رسد در دفاع مقدس بیش از آنکه «تن»ها با احتمال شهادت به میدان بروند، ذهنیت قوام یافته جامعه بود که اساس مقاومت را ساخت. اگر در این سال ها بخواهیم برای فرادهای کشور، آموزه های دفاع مقدس را بیشتر درک کنیم، نمی توانیم از ذهنیت ها، انگاره ها و روح یکپارچه به عنوان ضرورت اجتناب ناپذیر عبور کنیم و خود را در برابر این پرسش قرار دهیم که این روزها به چه میزان با آن روزها تفاوت ها و شباهت هایی در جامعه وجود دارد. گسست های ایجاد شده شرایط دشواری برای انتقال حافظه گذشته به نسل های حاضر و آینده به وجود خواهد آورد. برای همیشه تاریخ باید یاد شهدا و همه دلاوران عرصه دفاع مقدس را گرامی داشت.»